

شواهد ترور سید حسن نصرالله نشان می‌دهد آمریکا بخشی از پروژه است

پای بایدن گیر است



سید مهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

روز گذشته (شنبه) حزب‌الله لبنان در بیانیه‌ای رسمی، شهادت سید-حسن نصرالله دبیرکل خود را اعلام کرد. وی به همراه جمعی از فرماندهان مقاومت در بمباران روز جمعه محله ضاحیه بیروت به شهادت رسید. آنچه در این میان اهمیت بالایی دارد، میزان همگرایی آمریکا با رژیم برای ضربه به مقاومت است؛ هرچند مسئولان آمریکایی به دروغ ادعا کرده‌اند از اقدام رژیم بی‌خبر بوده‌اند اما دستان آنها در پشت قضیه آشکار است. فرضیه پرزنگ، قصد دموکرات‌ها برای استفاده از این تور به عنوان برگ برنده در انتخابات پیش رو است. پیش از این شهید نصرالله درباره رویه شدن ترور فرماندهان مقاومت اعلام خطر کرده بود. در این خصوصی نکاتی وجود دارد:

۱- ترور شهید سید حسن نصرالله در روز جمعه ۶ مهر (۲۷ سپتامبر)، در فاصله چهل روز تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در تاریخ ۱۵ آبان ماه (۵ نوامبر) صورت گرفت؛ هرچند این متاثر از زمان بندی دیگری مانند نخستین سالگرد عملیات ۷ اکتبر نیز است. باصـله این تور تا زمان نخستین سالگرد، ۱۱ روز است. پیوند ۷ اکتبر به عنوان خواست نتانیاهو با ۵ نوامبر، به عنوان خواست بایدن و دموکرات‌ها، نشان‌دهنده دردم‌تنبیدگی افزایش یافته میسان تل آویو و واشنگتن است. دموکرات‌ها قصد دارند از ترور دبیرکل مقاومت لبنان به عنوان برگ برنده‌ای در انتخابات بهره بگیرند.

۲- دموکرات‌ها در داخل آمریکا نکت فشار دو موضوع و یک جناح برجسته قرار داشتند. یک موضوع علم موفقیت دولت بایدن در حصول آتش بس و موضوع دیگری در مقابل آتش بس قرار داشت، به عدم موفقیت رژیم در طول جنگ باومی گشت. این دو موضوع در نقاطی با یکدیگر تعارض داشتند اما با توجه به حضور طرفداران هر دو، فشار قابل توجهی به کاخ سفید وارد می کردند.

جناح برجسته‌ای که به دموکرات‌ها فشار وارده می کرد، لابی‌های صهیونیستی بودند که نسبت به حمایت بایدن از رژیم، ناخرسند بوده و آنها را ناکافی می دانستند. اهمیت این لابی‌ها در ساختار سیاسی و همچنین تأثیرشان بر بخش مهمی از افکار عمومی تا آنجاست که پس از ایجاد تاخیر در ارسال برخی بمب‌ها به سرزمین‌های اشغالی توسط دولت بایدن، نتانیاهو با انتشار یک ویدئوی نتفانیدی اوضاع را برای دموکرات‌ها آشفته کرد. میزان اثرگذاری ویدئوی نتانیاهو و فشاری که در داخل آمریکا علیه کاخ سفید ایجاد کرد، عمق نفوذ لابی‌های صهیونیستی را آشکار می سازد. دولت دموکرات‌ها با کمک و صدور مجوز به نتانیاهو برای ترور شهید سید حسن نصرالله، ضمن جلب توجه مجد لابی صهیونیستی، قادر شدند به ایجاد تصویری از موفقیت رژیم کمک کرده و خود را از زیر بار برخی فشارها خارج سازند.

۳- ترور فرماندهان مقاومت، درحال تبدیل شدن به یک برگ مهم در انتخابات‌های آمریکا است. این موضوع از روز ترور سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس در ۱۳ دی ۱۳۹۸ (۳۱ ژانویه ۲۰۲۰)، شروع شد. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا که باید در همان سال در انتخابات ریاست جمهوری می جنگید، با این ترور تلاش کرد برگ برنده‌ای برای خود بخرد. این موضوع از ابعاد مختلفی حائز اهمیت است. این ترورها در میان افکار عمومی آمریکا مهم تلقی شده یاد در حداقلی تشریح شکل، نتها در میان افشار خاص و برخی لابی‌های اثرگذار، اثرشوند تلقی می‌شود. مهم آنکه تمام این تخریب، باوجود حضور و عمل‌آورد خود را در حمایت از امنیت تلقی می کنند و تا زمانی که تبعات آن را نچشند، پشیمان نخواهند شد. گروه‌های پیشین که ترور رهبران شان برگ‌های برنده انتخاباتی برای دولت‌های مستقر آمریکا بودند، دارای افکار سلفی بوده و آمریکا برای ضربه به آنها جنگ‌های بزرگی به راه انداخته بود. این افراد ولایت نداشته و عضوان نیز نبودند. در مقابل اما سردار سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران بوده و ابوهادی المهندس نیز نایب رئیس حشدالشعبی و رئیس ستاد این نهاد رسمی نظامی عراق بود. دبیرکل حزب‌الله لبنان نیز دارای حزب در ایران‌ماز و نمایندگان در دولت این کشور بود. سرایت دادن ترورها به مسئولان دولت یا شرکای دولتی، نشان‌دهنده عدم پذیرش آنها به عنوان دولت و کاهش سطح تعامل با آنها به سطح گروه است. پیامد ادامه این نگاه می تواند به جنگ منتهی شود؛ اما در حرکتی معکوس با برخورد با گروه‌های سلفی.

۵- تحولات شکل گرفته بر ستر طوفان الاقصی تنها منحصربه‌عرضه فلسطین و شامات نیستند؛ بخش مهمی از داستان به وقوع یمن بازمی‌گردد. یعنی‌ها انتحراس غریب در کنترول بر آب‌وهوا ها به چالش کشیده و با اعلام ممنوعیت عبور و مرور کشتی‌های صهیونیستی، عملابه اعمال قدرت برداخته‌اند. یعنی‌ها داریه اقدام خود را قانونی هند، آب‌های مقابل سواحل شرق آفریقا، خلیج عدن، تنگه باب‌المندب، دریای سرخ و دریای مدیترانه اعلام کرده‌اند؛ هرچند تاکنون در تمام این مناطق دست به عملیات نزه یا در برخی مناطق دیگر عملیات‌های محدودی داشته‌اند. یعنی‌ها در دریای مدیترانه و آب‌های مقابل سواحل شرق آفریقا تاکنون اقدامی انجام نداده‌اند. اما تهدیداتی درباره اقدام در این دو منطقه اعلام کرده‌اند. آب‌های سواحل شرق آفریقا که به دامغه امید نیک رسیده و با داور زند آفریقا به دریای مدیترانه می‌رسد، یک مسیر برای دوز زن راه‌تنگه باب‌المندب و دریای سرخ است. آمریکا که در بازداشتن یمنی‌ها با وجود حملات مستقیم به این کشور ناتوان بوده است، درصدد انتقام‌گیری در جایی بود که امکان آن فراهم است. سرتریب، ایجیسی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، عصرگاه جمعه ساخت پیش از ترور ضاحیه از حمله با ۲۳ بموشک و یک پهپاد به ۳ ناو آمریکایی یاد داده بود؛ اقدامی بسیار بزرگ که خشم واشنگتن را برانگیخت.

۶- رژیم صهیونیستی پیوند عملیات‌های ترور خود با آمریکا از مدت‌هاست آغاز کرده و نمی‌توان این روند را جدید تلقی کرد. در اتفاقات تابستان سال ۱۴۰۱ (۲۰۲۲) در ارتباط با مسائل افغانستان و فلسطین این مساله آشکار شد. آمریکا در روز یکشنبه ۹ مرداد ۱۴۰۱ (۳۱ جولای) ایمن الظواهری، رهبر القاعده را ترور کرد. کشته شدن الظواهری درحالی رقم خورده که گفته می‌شد وی در خانه امن سرال‌الدین حقانی، رئیس شبکه حقانی و وزیر کشور حکومت طالبان در یک محله مسئول نشین کابل اقامت داشت. این ترور در آستانه سقوط کابل به دست طالبان صورت گرفت. آن مرداد ۲۰۲۲ (۱۵ اوت) صورت گرفت، تا سرپوشی بر این شکست و فرار آمریکا از افغانستان باشد.

بااین حال، ادامه داستان توسط صهیونیست‌ها بگیری شد تا آنها خود را هم‌راستا با غرب نشان دهند. جهاد اسلامی فلسطین از درون جهاد اسلامی مصر به وجود آمده است. برخی اعضای فلسطینی جهاد اسلامی مصر با جد شدن از این سازمان اصلی، جهاد اسلامی فلسطین را ایجاد کردند. پس از آن نیز شاخه مصری وارد اتحاد با سازمان القاعده شد. نکته اصلی آنجاست که گفته می‌شود در زمان فعالیت مشترک فعالان جهاد اسلامی پیش از شاخه شدن الظواهری رهبر کشته‌شدن القاعده نیز در سازمان جهاد اسلامی مصر فعالیت داشته است. تنها یک روز پس از ترور الظواهری، نیروهای رژیم صهیونیستی در شاگاه دوشنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۱ (اول اوت ۲۰۲۲) با پیروز به شهر جنین، «شیخ بسام السعدی» از رهبران جهاد اسلامی را در کرانه باختری بازداشت کردند تا مقدمه‌ای برای آغاز جنگ از سوی جهاد اسلامی باشد. پس از آنکه جهاد اسلامی با این اقدام آغازگر جنگ نشد، تل آویو روز جمعه ۱۴ مرداد (۵ اوت) با ترور تیسیر الجعبري، فرمانده شاخه نظامی جهاد اسلامی در غزه، خود عمل‌چنگ را آغاز کرد. این جنگ به مدت سه روز تا یکشنبه ۱۶ مرداد (۷ اوت) به خود انجامید. صهیونیست‌ها با آغاز تحوک علیه سازمان جهاد اسلامی فلسطین، که ریشه‌هاش به سازمان جهاد اسلامی مصر بازمی‌گشت و الظواهری مدتی در آن عضویت داشت، قصد داشتند اقدام خود را شانه به شانه حرکت آمریکا نشان دهند.

نتانیاهو با یک تصمیم رادیکال سرزمین‌های اشغالی را به آتش کشید

هزینه‌های سنگین ترور سید



حانیه قاسمیان

هنرنگار گروه جهان‌شهر

تأیید خبر شهادت سید حسن نصرالله، مردم لبنان، جبهه مقاومت و جهانیان را در شوک فرو برد. حزب‌الله لبنان روز گذشته (شنبه) در بیانیه‌ای رسمی، از شهادت دبیرکل خود خبر داد. روز جمعه بزبانین نتانیاهو، نخست‌وزیر جنایت‌کار رژیم صهیونیستی هنوز سخنرانی اش در مجمع عمومی راه‌پایان نرسانده بود که در بیروت اعلام شد مجموعه‌ای از حملات هوایی مقر فرماندهی حزب‌الله را هدف قرار داده‌اند. افکار عمومی لبنان، به‌ویژه شیعیان و مردم جنوب، انتظار دارند که واکنش حزب‌الله به تل آویو کوبنده باشد؛ و به گفته شهید سید حسن نصرالله، هرگونه نقض قواعد دیگری به معنای جنگی «بی‌پایان و بدون محدودیت» خواهد بود. حال رشنی که برای مردم لبنان به‌ویژه حامیان حزب‌الله مطرح آن است که رژیم صهیونیستی با اعلام جنگ رسمی به حزب‌الله با ترور دبیرکلش به دنبال پیگیری چه‌اهدانی است یا به عبارتی رژیم صهیونیستی چه از جان لبنان می‌خواهد؟

نتانیاهو از لبنان چه می‌خواهد؟

«اگر به اندازه کافی سریع باشند نمی‌توانیم جلوشان را بگیریم مگر در حیفا.» این جمله که آموس هارزئیل، تحلیلگر نظامی روزنامه هآرتس به نقل از فرمانده یک لشکر در ارتش رژیم صهیونیستی آورده است، در چهارچوب صحبت درباره نگرانی از حمله ناگهانی نیروی رضوان حزب‌الله پس از آغاز عملیات «طوفان الاقصی» در صبح روز ۷ اکتبر ۲۰۲۳، نگرانی‌های موجود در ذهن نظامی رژیم صهیونیستی درباره جبهه جنوب لبنان را تجسم می‌کند. این نگرانی‌ها فراتر از تحرکات حزب‌الله بودند، همان‌طور که روند دیگری هاطی تقریباً یک سال جنگ نشان داد؛ در آن زمان ارتش اشغالگر رژیم صهیونیستی راه به سرعت واداره به استقرار سه لشکر نظامی در شمال کرد. همچنین، دولت نتانیاهو بلافاصله دستور تخلیه همه ساکنانی که در فاصله سه مایلی مرز لبنان زندگی می‌کردند را صادر کرد و آنها را به هتل‌ها و مکان‌های دیگر به هزینه دولت منتقل کرد. این تصمیم حدود ۶۰ هزار صهیونیستی را به باری بر اقتصاد تبدیل کرد و منطقه مرزی را برای اولین بار به یک منطقه امنیتی حائل در داخل رژیم صهیونیستی مبدل ساخت. انجام حملات روزانه با موشک‌های هدایت‌شده و گلوله‌های خمپاره‌ای توسط لبنان باعث شده نتها در شهرک صهیونیستی المظله، حدود ۷۰ درصد از کل منازل ویران شوند.

تل آویو تغییر استراتژی داد

تل آویو در سپتامبر ۲۰۲۴ تصمیم گرفت معادله را تغییر دهد و وزن جنگ را از غزه به جبهه لبنان منتقل کند؛ جبهه‌ای که از سال ۲۰۶ برای جنگ با آن آماده شده بود. تل آویو ضربات دقیقی را به حزب‌الله وارد کرد که اوج آن در بمباران مقر فرماندهی حزب‌الله بود. هدف این حمله سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله و تعدادی از رهبران و کادردهای حزب بود که شهادت آنها به احتمال زیاد جنگ را به مرحله‌ای شدیدتر منتقل خواهد کرد.

«سال‌های آینده شاهد تحول جبهه شمالی به چالش نظامی اصلی است که رژیم صهیونیستی با آن مواجه است.» این جمله فقط یک نظر شخصی از یک فرمانده نظامی نبود، بلکه بخشی از نتایج پروژه‌ای بود که توسط موسسه مطالعات امنیت ملی رژیم صهیونیستی (INSS) جزاشد و بیشتر محتوای پروژه در سال ۲۰۲۱ با عنوان «جنگ آینده در شمال: سناریوها، گزینه‌های راهبردی و توصیه‌ها» منتشر شد. برخی از محتوای آن به دلیل حساسیت امنیتی منتشر نشد و به‌عنوان یک ضمیمه محرمانه به تنها‌های ذی صلاح درون دستگاه نظامی رژیم صهیونیستی تحویل داده شد. هدف این پروژه ارزیابی شکل جنگ آینده رژیم صهیونیستی در لبنان و ارائه توصیه‌هایی به سیاستگذاران بود. در این پروژه از نظرات گروهی از کارشناسان، از جمله گادی آیزنکوت، رئیس ستاد سابق، گیورا آلیندا، مشاور امنیت ملی سابق و مدیر برنامه‌ریزی ارتش و آموس یادلین، رئیس سابق اطلاعات نظامی، استفاده شد.

طبق این پروژه، جنوب لبنان یکی از خطرناک‌ترین دایره‌های تهدید برای رژیم صهیونیستی است؛ به دلیل نزدیکی مستقیم آن به مرز که نیروی رضوان حزب‌الله اجازه می‌دهد تا نفوذ کرده و حمله زمینیه به جمععات جمعیتی و دارایی‌های نظامی در جلیل انجام دهد. علاوه‌بر این، حزب‌الله «طبق گزارش‌های مختلف- بیش از ۱۵۰ هزار موشک با راه‌های متنوع در اختیار دارد که تمام شهرهای رژیم صهیونیستی را تهدید می‌کند. لبنان به همراه سوریه در «دایره اول» تهدید در ارتش رژیم صهیونیستی قرار گرفته، در حالی که عراق در «دایره دوم» و ایران و یمین در «دایره سوم» قرار دارند.

کاپوسی که کارشناسان نظامی صهیونیستی از آن بیم داشتند، وقوع یک جنگ هم‌زمان چندجبهه‌ای در سه دایره به‌طور هم‌زمان با شعله‌ور شدن غزه و کرانه باختری بود که آن را «حلقه آتش ایران» نامیدند. شکست رویکرد «نبرد بین جنگ‌ها» در مقاله به تأهیدی که حزب‌الله، به‌ویژه پس از حضورش در سوریه، ایجاد کرده بود و با راه‌اندازی یک بل زه‌زمینی که تهران را از طریق عراق و سوریه به لبنان متصل می‌کرد، رژیم صهیونیستی به‌طور رسمی در سند استراتژی‌ک ارتش که در سال ۲۰۱۵ منتشر شد، رویکرد «نبرد بین جنگ‌ها» را تصویب کرد. این رویکرد به عنوان نبردی زیرآستانه جنگ طبقه‌بندی می‌شود و دو سال پس از اجرای عملی آن در میدان، با هدف تضعیف توانایی‌های حزب‌الله از طریق تلاش برای جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته از تهران به لبنان و جلوگیری از ایجاد زیرساخت‌های نظامی در جنوب سوریه به کار گرفته شد. این رویکرد از طریق حملات هوایی و گلوله‌باران توپخانه‌ای با تنبیه بر اطلاعات و آتش‌های دقیق اجرا شد.

با این حال، این رویکرد، با وجود شدت آن، طی حدود یک دهه در جلوگیری از تقویت زرادخانه حزب‌الله موفق نبود. تعداد موشک‌های حزب‌الله از حدود ۴۰ هزار موشک در سال ۲۰۰۶ به چهار برابر افزایش یافت و بسیاری از آنها از طریق پروژه موشک‌های دقیق بهبودیافتند. همچنین حزب‌الله تولید پهپادهای بومی در داخل لبنان را آغاز کرد و علاوه‌بر آنچه از ایران دریافت می‌کرد، نیروهای خود را با سامانه‌های دفاع هوایی تقویت کرد. هرچند این سامانه‌ها تهدید عمده‌ای برای هواپیماهای جنگی پیشرفته رژیم صهیونیستی نبودند، اما توانایی هواپیماهای بدون سرنشین را برای پررود در آسمان لبنان محدود کردند. به گزارش سازمان ملل، «سامانه دفاع هوایی حزب‌الله در طول جنگ جاری موفق به سرتگونی ۵ پهپاد بزرگ شد.

هم‌زمان با این موارد، حزب‌الله حضور جنگجویان خود را در جنوب رودخانه لیتانی در مرز لبنان و رژیم صهیونیستی تقویت کرد که رژیم صهیونیستی آن را نقض قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت می‌دانست. این قطعنامه جنگ ۲۰۰۶ را پایان داد و بر خروج نیروهای حزب‌الله به شمال رودخانه لیتانی و محدود کردن حضور نظامی در جنوب رودخانه به ارتش لبنان و نیروهای یونیفلپ تاکید داشت.

در این راستا، طراحان نظامی رژیم صهیونیستی چندین سناریو برای مقابله با حزب‌الله و جبهه لبنان مورد بررسی قرار دادند.

اول: مانور زمینی تا جنوب رود لیتانی

ارتش اشغالگر در اوایل سال ۲۰۱۹، شبکه‌ای از تونل‌ها را کشف کرد که از جنوب لبنان تا نزدیکی مرزهای شمالی امتداد داشت و به نیروهای واحد رضوان اجازه



می‌داد تا به داخل فلسطین اشغالی نفوذ کنند. ارتش رژیم صهیونیستی در عملیاتی که «سپر شمال» نام گرفت، به تخریب این تونل‌ها از سمت فلسطین اشغالی پرداخت. طراحان صهیونیستی معتقد بودند که تضعیف توانایی‌های حزب‌الله تنها با استفاده از نیروی هوایی دشوار است و عملیات زمینی نیز ضروری است. بسیاری از آنها بر لزوم انجام مانور زمینی در جنگ آینده در جنوب رود لیتانی تأکید داشتند؛ مانوری قدرتمند، خسوت‌آمیز، اما کوتاه‌مدت که هدف آن تخریب توانایی‌های نظامی حزب‌الله در منطقه مرزی به‌ویژه پایگاه‌های موشکی و موقعیت‌های نیروهای واحد رضوان بود. این عملیات پس از حملات هوایی که براساس اطلاعات دقیق انجام می‌شد، صورت می‌گرفت و توصیه بر این بود که در روزهای اولیه جنگ دستاوردهای مهمی به صلح آید تا راه‌های نظامی حزب‌الله شکسته شود. هم‌زمان با این عملیات زمینی، مانوری دیگر در جولان برای از بین بردن تهدیدات موشکی شبه نظامیان هم‌پیمان حزب‌الله در سوریه پیشنهاد شده بود. همچنین برخی از صداهایر اهمیت ایجاد مجدد یک منطقه امنیتی حائل در جنوب لبنان تأکید داشتند. در حالی که گیورا آلیندا، رئیس سابق شورای امنیت ملی خواستار تعریف دولت لبنان به عنوان دشمن مانند حزب‌الله شد و تأکید بر هدف قرار دادن زیرساخت‌های آن برای اعمال فشار بر حزب‌الله جهت کوتاه کردن مدت زمان جنگ داشت، کارشناسان دیگر بر این باور بودند که هدف قرار دادن زیرساخت‌های لبنان ارتش چندانی نخواهد داشت؛ زیرا دولت لبنان تأثیر زیادی بر حزب‌الله ندارد و حزب‌الله از ضعف عملیات‌های دولت در ارائه خدمات بهره‌برداری کرده و خلاها را پر می‌کند و نیازهای طرفدارانش را برآورده می‌سازد.

الف- اهداف و استراتژی‌های خروح

هدف از جنگ در این سناریو دستیابی به پیروزی است؛ به این معناکه دستاورد نظامی به موفقیت‌های سیاسی و امنیتی تبدیل شود. این هدف با تحمیل شرایط رژیم صهیونیستی برای پایان جنگ و شکست نظامی حزب‌الله در لبنان و سوریه از طریق تخریب توانایی‌های نظامی وزیرساخت‌های آن و ایجاد شرایطی که بازسازی نظامی آن را برای مدت طولانی غیرممکن کند، محقق می‌شود. این سناریو براساس یک استراتژی خروح طراحی شده که هدف آن پایان دادن به جنگ پس از وارد کردن هزینه سنگین به حزب‌الله و دولت لبنان از طریق حمله به زیرساخت‌های آن است. سپس مذاکره برای پایان دادن به جنگ با شرایطی که شامل تثبیت قواعد جدید بسیاری از جمله نابودی حضور حزب‌الله در جنوب رودخانه لیتانی و ممانعت از حضور آن در نزدیکی جولان و ایجاد شرایطی که بازسازی مجدد حزب‌الله را با مسدود کردن مسیرهای انتقال سلاح از ایران به لبنان از طریق خاک سوریه دشوار سازد. همچنین فقط ارتش لبنان به همراه نیروهای یونیفلپ در جنوب تحت عنوان «سنولیست دولت لبنان در تمام سرزمین‌های اشغالی» مستقر خواهد شد و سازوکارهای جدیدی برای نظارت بر اجرای توافق به کار گرفته می‌شود. اما برنامه‌ریزان نظامی رژیم صهیونیستی قبل از شروع اجرای این سناریو پیشنهاد داده‌اند تمام گزینه‌های ممکن برای دستیابی به اهداف مطلوب ابتدا استفاده شود، زیرا از ورود به یک جنگ طولانی که ممکن است ارتش رژیم صهیونیستی را فرسوده کند یا در شکست حزب‌الله ناکام بماند، هراس دارند. همچنین نگرانی از بروز جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر که سایر بازیگران محور مقاومت، به‌ویژه از جبهه سوریه و نیز ایران در آن دخالت کنند، وجود دارد. این وضعیت می‌تواند منجر به جنگ در چندین جبهه و دشواری در کنترل دامنه ومدت زمان کمپین نظامی شود.

ب- در آستانه عملیات زمینی در جنوب لیتانی

با ارزیابی وضعیت کنونی در جبهه لبنان، می‌بینیم ارتش رژیم صهیونیستی از اواسط سپتامبر ۲۰۲۴ شروع به اجرای بخشی از عملیات مقدمه‌امتی برای عملیات زمینی کرده است. در این عملیات سلسله فرماندهی نظامی حزب‌الله با انجام ترورهای گسترده‌ای که ابراهیم عقیل، فرمانده عملیات حزب‌الله و هم‌راهش، از جمله فرماندهان نیروی رضوان، ابراهیم قیسی و محمد سرور، فرماندهان نیروی هوایی و موشکی حزب‌الله را هدف قرار داده بود، تضعیف شد. این عملیات پس از تکرار فراد شکست رژیم صهیونیستی حزب‌الله گرفت. علاوه‌بر این، شبکه ارتباطی حزب‌الله و حدود چهار هزار نفر از کادرفهای حزب‌الله با انفجار دستگاه‌های پیچرو بی‌سیم هدف قرار گرفتند. همچنین انبارهای تسلیحات و سکوهای موشکی در مجموعه‌ای از حملات هوایی گسترده منهدم شدند که در نهایت به تخریب مقر حزب‌الله در چندین جبهه و دشواری در کنترل دامنه ومدت زمان کمپین نظامی شود.



طراحی، آرش فرحی فرهنگ‌یختگان

فرماندهی مرکزی حزب‌الله در ضاحیه جنوبی منجر شد و شهید سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله و سایر اعضای رهبری نیز مورد هدف قرار گرفتند. این حملات سریع و گسترده به دنبال از بین بردن کارایی عملیاتی حزب‌الله است و حزب را در مقابل دو انتخاب دشوار قرار می‌دهد: ادامه جنگ در شرایطی که خسارت‌گسترده و ضربات سنگینی به رهبری و منابع انسانی و مادی آن وارد می‌شود یا عقب‌نشینی و پذیرش شرایط آتش بس رژیم صهیونیستی که شامل جداسازی جبهه لبنان از جبهه غزه، عقب‌نشینی نیروهای حزب‌الله به شمال رودخانه لیتانی و تضعیف آن تا حدی که ممکن است منجر به خلع سلاح آن شود.

دوم: عملیات زمینی تا بیروت

تعدادی از سیاستمداران رادیکال نظامی رژیم صهیونیستی استدلال می‌کنند اگر حزب‌الله از جنوب لیتانی عقب‌نشینی کند، به زودی و با کمک ایران، توانایی‌های نظامی خود را با بازسازی خواهد کرد. همچنین حزب‌الله یک شبکه ارتباطی جدید ایجاد کرده و در آینده دوباره نیروهای خود را در جنوب لیتانی مستقر خواهد کرد. این موضوع به معنای بازگشت اوضاع به وضعیت پیش از جنگ کنونی و از دست رفتن تمام دستاوردهای نظامی خواهد بود. با توجه به این شرایط، این سیاستمداران خواستار اجرای عملیات زمینی تا بیروتند تا تغییر استراتژیک در وضعیت داخلی لبنان ایجاد کنند. این سناریو در خود خطرات آغاز یک جنگ منطقه‌ای گسترده و طولانی را به همراه دارد که نیازمند عملیات‌های نظامی رژیم صهیونیستی علیه گروه‌های عراقی حامی حزب‌الله، شبه‌نظامیان شیعه در سوریه و حوثی‌ها در یمین است، زیرا همه آنها نخواهند ایستاد و تنها نظاره‌گر نخواهند بود. درحالی‌که ارتش رژیم صهیونیستی در تلاش برای شکستن قدرت حزب‌الله و بازپس‌گیری بیروت است. بنابراین هدف اصلی این سناریو، فروپاشی آنچه محور مقاومت، نامیده می‌شود و توسط ایران شکل گرفته و تغییر عادلانات قدرت در خاورمیانه است. این موضوع در نهایت به رویارویی مستقیم با تهران با هدف نابودی برنامه هسته‌ای آن و جلوگیری از بازسازی توانایی‌های نظامی گروه‌های هم‌پیمان ایران منجر خواهد شد. این سناریو به احتمال زیاد به یک جنگ طولانی مدت و چند جبهه‌ای تبدیل می‌شود که نیازمند وابستگی شدیدی به حمایت نظامی آمریکا و پشتیبانی سیاسی ای است که واشنگتن برای رژیم صهیونیستی فراهم می‌کند. تل آویو به تهاایی قادر به جنگی بزرگ‌ا‌ین دست‌نیست؛ به‌تعداد سربازانش، به انبارهای مهمات و قطعات یدکی اش و نه اقتصاد و ساختار اجتماعی اش اجازه نمی‌دهد که وارد یک جنگ سخت و طولانی مدت شود. آنچه دشواری جنگ رژیم صهیونیستی در دو جبهه به‌طور هم‌زمان را تقویت می‌کند، این است که رژیم صهیونیستی پس از کاهش شدت جنگ در نوار غزه، مرکز نقل جنگ را به جبهه لبنان منتقل کرده است. طبق گفته صراف اورپون، رئیس سابق بخش استراتژی ارتش رژیم صهیونیستی در مقاله‌ای که در فارن افز منتشر کرده است، رژیم صهیونیستی از زمان جنگ اکتبر ۱۹۷۳ به‌طور هم‌زمان در دو جبهه جنگ نکرده است؛ جنگی که کمتر از یک‌ماه طول کشید، مطابق با نظریه امنیتی سنتنی رژیم صهیونیستی که بر آغاز جنگی کوتاه در سرزمین دشمن تأکید دارد تا از معایب محدودیت جمعیت و نداشتن عمق استراتژیک و کمبود منابع محلی لازم برای تداوم کمپین‌های نظامی طولانی جلوگیری کند.

هدف قرار دادن ایران به عنوان جایزه اصلی

سناریو دوم، یعنی رسیدن به بیروت، فقط به دنبال دستیابی به اهدافی نیست که در مانور جنوب لیتانی دنبال می‌شود، بلکه اهداف بزرگ‌تری را شامل می‌شود که در راستای تغییر چهره منطقه است. این اهداف شامل نابودی حزب‌الله به عنوان خطرناک‌ترین تهدید نظامی برای رژیم صهیونیستی به‌دلیل نزدیکی به مرزهاش و توانایی‌های نظامی آن است. سپس هدف قرار دادن «سراختارپوس» در تهران طبق توصیف رژیم صهیونیستی، موضعی که توسط معاون سابق رئیس ستاد ارتش رژیم صهیونیستی و مدیرکل فعلی وزارت دفاع این کشور «ایال زامیر» در یک مطالعه طولانی که در سال ۲۰۲۲ منتشر کرده بود، مطرح شد. در آن مطالعه، زامیر خواستار رویکردی شد که ایران را وارد این عقب‌نشینی به داخل کشور کند. این کار از طریق هدف قرار دادن رهبران و نیروهای سپاه پاسداران در داخل و خارج ایران، نابودی کارخانه‌های تسلیحاتی ایران و ایجاد محوری آمریکایی- صهیونیستی- عربی برای تضعیف نفوذ ایران در منطقه انجام می‌شود.